



بسایط و موالید، هورقلیا و اجنه

در ابتدای کتاب مبارک طریق النجات، مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع مباحثی را بیان میکنند که به علم طریقت مربوط نبوده اما دانستن آن برای فهمیدن بهتر مطالب آینده مفید و پایه ای است. لذا ما نیز با اقتدای به کتاب شریف به ذکر آن مطالب پرداخته و خوشبختانه به مطالب چند روز گذشته نیز مربوط بوده و راه گشاست.

همانطور که دانستیم، تمامی موجودات این عالم اعم از جسم ائمه علیهم السلام تا سایر اناسی و حیوانات و گیاهان و جمادات همه از فعل و انفعالات و ترکیب افلاک و عناصر ایجاد شده اند که اصطلاحاً به آنها بسایط گفته میشود و به موجودات حاصل از آنها موالید میگویند. (فرزندانی که حاصل از نرینه بودن مراتب عالی با مادینه بودن مراتب پایین ایجاد شده اند.) و این بسایط از نظر زمانی تقدم بر موالید خود دارند، چرا که برای آنها بمنزله امکانی هستند که هر کدام از موالید حصه ای از آن است.

اما در پس تمامی این بسایط و موالید، عالم دیگری به نام هورقلیا (اقلیم هشتم) است که برزخی ما بین زمان و دهر (دنیا و آخرت) است که بسیار لطیف تر از این عالم عرضی بوده و حقایقی از دنیا که از چشم ما پوشیده است در آن قرار دارد.

بسایط آن عالم بدون ترکیب بوده به طوری که عناصر این عالم عرضی نسبت به آنها موالید حساب میشوند. و همچنین بهشت دنیا که آدم و حوا در آن سکونت داشتند و موارد دیگری مانند جابلقا و جابرسا یا سد ذوالقرنین، همه در این عالم هورقلیا آشکار میباشند.

از موجودات و موالید هورقلیایی اجنه میباشند که به علت لطافتشان با چشم عرضی دیده نمیشوند اما

میتوانند بر اجسام اثر گذاشته و باعث حرکت و سکون شوند (چرا که از اصل و جوهر همین اجسام خلقت شده اند). مانند تأثیری که هوا بر خاک گذاشته و آن را حرکت میدهد با اینکه دیده نمیشود. و مانند تأثیر گرما بر آهن، اجنه نیز به همانطور میتوانند از اجسام رد شوند (البته اجنه از آتش 70 بار لطیف تر هستند).

تنها شعری که از آن برای دیدن خود اجنه میتوانیم استفاده کنیم، حس مشترک است که توضیح آن در مطلب [حواس باطنی](#) داده شده و آن برزخی است که مابین مشاعر ظاهری و باطنی قرار دارد و در لحضاتی ما بین خواب و بیداری میتوان از آن استفاده کرد و معمولا اجنه در همین زمان خود را نشان میدهند.

البته هنگام رجعت که بدن ها از این اعراض پاک شده و لطیف شوند، تمامی حقایق عالم هورقلیا آشکار خواهد شد.